

خوانشی انتقادی بر رویکردهای اهل سنت

به مسأله جانشینی پیامبر ﷺ

سید محمد سلطانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

چکیده

جانشینی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان موضوع شکل‌گیری مهمترین باور اختصاصی شیعه، پرسش کلیدی در اسلام شیعی و اصل اساسی تفاوت اندیشه شیعه با اهل سنت است. شیعیان و اهل سنت رویکردهای مختلفی در بررسی این مسأله به کار گرفته‌اند که شناخت و ارزیابی دقیق هر یک، از اهمیتی ویژه برخوردار است. در نوشتار پیش‌رو، با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و به‌روش توصیفی-تحلیلی به گردآوری و معرفی این رویکردها پرداخته و سپس رویکردهای مورد استفاده‌ی اهل سنت در این مسأله تبیین و مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، از آن‌جا که اهل سنت امامت را بحثی فرعی و از اعمال مکلفین دانسته‌اند، رویکرد کلامی و فلسفی به آن نداشته و طرح این موضوع در برخی از کتب کلامی ایشان، از باب ردّ نظریه تنصیبی بودن امامت و اثبات مشروعیت خلافت خلفای ایشان بوده است. رویکرد تاریخی و نصّ‌گرایانه نیز به ویژه در پاسخ به عقیده شیعه، در تنصیبی بودن امامت، مورد توجه آنان است. البته برخی از ایشان که قائل به نصّ جلی یا خفی بر خلافت ابوبکر بوده‌اند، به آیات و روایات نبوی ﷺ و سنت صحابه استناد کرده‌اند. گاهی نیز استناد به این موارد برای اثبات مشروعیت خلافت وی بوده است و نه تنصیبی بودن آن. واژگان کلیدی: امامت پژوهی، جانشینی پیامبر ﷺ، امام علی علیّه السلام، رویکرد، شیعه، اهل سنت.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم و سطح چهار مطالعات اسلامی به زبان انگلیسی.
s.mohammad.soltani@gmail.com

مقدمه

جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها سبب شکل‌گیری اولین و مهمترین مورد از عقاید اختصاصی شیعه است، بلکه همه مسلمانان ضرورت وجود آن را به‌عنوان اصلی مسلم پذیرفته‌اند. (ابن حزم، بی‌تا: ۷۲/۴) اما همین امر، به وضوح، پرسش کلیدی در اسلام شیعی و اصل اساسی جدایی شیعه از اکثریت سنی است. پرسش تنها این نبوده که چه کسی جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، بلکه ماهیت نقش این جانشین نیز از موارد عدم اتفاق شیعه و اهل سنت است. (momen 1985: 11)

بیش از ۱۳۰۵۹ اثر درباره «امام» و «امامت» توسط مولفان شیعه، فهرست شده است.^۱ در لیست مؤلفین حوزه امامت، تقریباً به نام همه بزرگان شیعه برمی‌خوریم.^۲ جدای از اصل موضوع امامت، مسائل مربوط به آن نیز در آثار بزرگان شیعه منعکس شده است که در این میان می‌توان از رساله «عصمت» سید مرتضی و «رسالة فی الفرق بین النبی و الامام» شیخ مفید نام برد. اهل سنت نیز در مقابل با فاصله کمی ردیه‌هایی نگاشتند که معروف‌ترین آن در دوران متأخر «تحفه اثنتی عشریه» نوشته عبدالعزیز دهلوی به زبان فارسی است که میرحامد حسین، دائرة المعارف کم نظیر خود، «عبارات الانوار» را در پاسخ به آن آفریده است. (امامت‌پژوهی: ۲۳)

جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برخلاف غالب مسائل کلام اسلامی، مورد توجه طیف‌های مختلف شیعیان، اهل سنت و حتی خاورشناسان بوده و هر کدام از این گروه‌ها، رویکردهای منحصر به فردی را نیز در بررسی آن به کار گرفته و یا ابداع کرده‌اند؛ بنابراین با تبیین رویکردهای مربوط به این مسأله، می‌توان تمامی رویکردها در بررسی مسائل علم کلام را به طور ملموس، مورد مطالعه قرار داد.

۱. رویکردهای امامت‌پژوهی

با استقراء آثار پژوهش‌گران مسلمان، چنین به‌دست می‌آید که آنان رویکردهای مشخصی

۱. به گفته ابن ندیم علی بن اسماعیل بن میثم تمار اولین مؤلف رساله در این باب به نام‌های «الامامة» و «الاستحقاق» است. پس از وی هشام بن حکم، شاگرد امام صادق علیه السلام مشهورترین نویسنده در این موضوع است که آثاری چون «الامامة» و «امامة المفضول» را نگاشته است. (جمع نویسندگان، ۱۳۸۹ ش: ۲۲)

۲. همچون ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) در «الامامة و التبصرة من الحيرة»، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در «الامامة»، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در «الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» و آثار دیگرش، سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) در «الشافی»، شیخ طوسی در «تلخیص الشافی» و دیگران.

را در بررسی مسائل کلام اسلامی به کار گرفته و یا ابداع کرده و گسترش داده‌اند. در ادامه، به معرفی مختصر این رویکردها پرداخته شده است.

۱-۱. رویکرد فقهی

مراد از رویکرد فقهی، بررسی مسائل مربوط به علم کلام به‌طور عام و مسأله امامت به‌طور خاص، از منظر علم فقه است؛ بنابراین پیش‌فرض این رویکرد، این است که مسأله مورد بحث، یک مسأله فقهی و فرعی است و در محدوده اعمال مکلفین قرار می‌گیرد. این رویکرد مختص اهل سنت و سلفیه خواهد بود که ادله شیعه در اثبات کلامی و اعتقادی بودن این مسأله را نپذیرفته‌اند.

۲-۱. رویکرد تاریخی‌نگری

این رویکرد از رویکردهای کاربرد در بررسی مسائل مربوط به علم کلام به‌طور عام و مسأله امامت خاصه به‌طور خاص، بوده است. آیا طبق شواهد تاریخی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای پس از رحلت خود، شخص معینی را برای تصدی امر امامت معین فرموده‌اند یا نه؟ در این رویکرد نه از تحلیل‌های کلامی و ضرورت تعیین جانشین برای نبی صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود و نه از تحلیل درون‌دینی و مؤمنانه آیات و روایات؛ اگر به آیات و روایات نیز استناد می‌شود، صرفاً به لحاظ اطلاعات تاریخی موجود در آنها است؛ بنابراین استنباط یک مورخ غیرمؤمن و یک فرد محدث یا متکلم مؤمن، از یک آیه قرآن و یا یک حدیث، متفاوت خواهد بود. علاقه عمده خاورشناسان به این رویکرد، بدان جهت است که برخلاف بسیاری از رویکردهای دیگر، استفاده از این رویکرد مستلزم اعتقاد به حقانیت اسلام، قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست.

۱-۳. رویکرد نص‌گرایانه

رویکرد نص‌گرایانه رویکردی درون دینی است که با مراجعه به نصوص دینی، آیات وحی منزل و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می‌کوشد تا حقیقت یک مسأله کلامی را بیان کند. نمونه‌هایی از آثاری که این رویکرد را در مسأله امامت داشته‌اند، عبارتند از «الغدیر»، «احقاق الحق» و «عقبات الانوار». اهل سنت معمولاً از این رویکرد صرفاً در جهت ردّ عقیده شیعیان بهره گرفته‌اند که برای نمونه می‌توان، از «الامامة و الرد علی الرافضة» ابو نعیم

الاصبهانی^۱ نام برد.

۱- ۴. رویکرد تحلیلی (کلامی - فلسفی)

مراد از رویکرد تحلیلی، استفاده از استدلالات عقلی در بررسی مسائل مربوط به علم کلام است. رویکرد تحلیلی محض در بحث امامت عامه قابل اجراست؛ چنانکه متکلمان شیعه نیز عمدتاً رویکرد کلامی داشته و از ضرورت عقلی یا نقلی نصب الهی جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفته‌اند. ایشان همچنین در صدد اثبات ویژگی‌هایی چون «عصمت»، «علم» و غیره برای ایشان بوده‌اند.

در بحث امامت خاصه، نیاز به تلفیق این رویکرد با سایر رویکردهاست تا بتوان شخص جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تعیین کرد. به طور مثال متکلمان شیعه که ضرورت وجود ویژگی‌هایی چون عصمت و علم را در بحث امامت عامه برای جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت کرده‌اند، به مدد شواهد قرآنی، روایی و تاریخی، جامع این ویژگی‌ها را فقط شخص امام علی علیه السلام می‌دانند.

۱- ۵. رویکرد عرفانی

رویکرد عرفانی در مسائل کلامی، عبارتست از بهره‌گیری از مفاهیم و استدلالات عرفانی در جهت تبیین و اثبات یک مسأله اعتقادی. این رویکرد در مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ماهیت، جایگاه، ویژگی‌های امام و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به کمک مفاهیم و براهین عرفانی تبیین می‌کند.

این رویکرد قابل جمع با برخی رویکردهای دیگر است؛ چراکه در واقع ابعاد ژرفتری از حقیقت امامت را نشان می‌دهد و با نگرش اصیل شیعی بیگانه نیست. خاورشناسانی که رویکرد پدیدارشناسانه به تشیع داشته‌اند، معمولاً نگاه عرفانی عرفای شیعه - همچون سید حیدر آملی - به امامت را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در حوزه امامت عامه، رویکرد عرفانی بر اساس مفهوم «انسان کامل» بوده است. عرفا، به‌ویژه در عرفان عملی، در خصوص امامت خاصه و مخصوصاً امام نخست، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز تأملات فراوان داشته‌اند.

۱. ابو نعیم الاصبهانی، الامامة والرد على الرافضة، الطبعة الرابعة، مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، ۱۴۲۵ ق.

۱- ۶. رویکرد پدیدارشناسانه

رویکرد پدیدارشناسانه در بررسی مسائل دینی، به عناصر، شاخص‌ها و بنیادهای فکری آن دین می‌پردازد. از نگاه پدیدارشناس، حقانیت و درستی این مباحث مفروض گرفته می‌شود. همان گونه که ممکن است فرد مسلمان، یهودیت و مسیحیت را موضوع تحقیق خود قرار دهد و سال‌ها بکوشد تا به بررسی عناصر فکری آن‌ها بپردازد و توصیفی واقعی و مطابق با اعتقاد آنان ارائه کند. (چلونگر، ۱۳۸۹: ۵۵)

به تعبیر آنه ماری شیمل، در روش پدیدارشناسانه، محقق می‌کوشد تا با این روش به کانون یک دین وارد شود و به درونی‌ترین امر مقدس هر دین دست یابد. (شیمل، ۱۳۷۶: ۳۶)

جالب آن است که بعضی خاورشناسان که نگاه پدیدارشناسانه به مبانی اعتقادی اسلام دارند، در برخورد با تشیع، از رویکرد تاریخی استفاده کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به افرادی چون همیلتون گیب، ویلیام موننگمری وات، آنه ماری شیمل، لویی گارده و هاینس هالم اشاره کرد. (چلونگر، ۱۳۸۹: ۵۵)

هوسرل^۱ (۱۸۵۹-۱۹۳۸م) از فیلسوفان مهم و تأثیرگذار قرن بیستم و پدر مکتب «پدیدارشناسی» است. شاگرد برجسته وی مارتین هایدگر^۲ (۱۸۸۶-۱۹۷۶م) بوده است که خود شاگردانی چون هانری کربن داشته است. توضیح این مکتب به صورت کاملاً مجمل در نه بند زیر ارائه شده است:

۱. «پدیدار» امری دیدنی و ظاهری است که با حقیقت و امر محجوب نیز ارتباط دارد؛ بنابراین «پدیدار» هم وجه ظاهر دارد و هم وجه باطن. (شیمل، ۱۳۷۶: ۳۶)

۲. نفی مفروض: هیچ حکمی را نباید قبل از آزمودن صادق دانست بلکه باید با معاینه پدیدارها صدق مقدمات را سنجید.

۳. پدیدارشناسی، مجموعه‌ای از آراء و تعلیمات نیست، بلکه یک روش است.

۴. در قبال موضوعات تجربه نشده تعهدی نداریم. پدیدارشناس با در پرائتز گذاشتن^۳ جهان عینی خود را به ناظری بی‌طرف تبدیل کرده و تجاربی تازه می‌یابد.

۵. علائق را به حالت تعلیق درآورده و بی‌طرف می‌شویم.

1. Edmund Husserl

2. Martin Heidegger

3. Bracketing

۶. برای صرف نظر کردن از ملاحظات روان‌شناختی، تاریخی و حتی وجودشناختی، از تحویل و ارجاع استفاده می‌کنیم، یعنی امر فی نفسه را به امر لِنفسه بازگردانده و معلوم می‌کنیم که هر چه می‌بینیم با معناست و جزئی از عالم مشترک آدمیان است.

۷. کلیه احکام مربوط به فاعل شناسا را موقوف و معلق گذاشته و به خود متعلق نظر می‌کنیم، و در نتیجه به شهود ذوات می‌رسیم.

۸. علم همواره نسبتی میان من محض و فاعل شناسایی از یک سو و متعلق شناسایی از سوی دیگر است. پدیدارشناسی کوششی برای شناسایی ذوات و ماهیات از طریق شهود این نسبت است.

۹. پدیدارشناسی اساساً رفع حجاب‌ها و عیان کردن و پدیدار کردن آن چیزی است که خودش را پدیدار می‌سازد. (منصورنژاد، ۱۳۹۰: ۳۴۰-۳۴۵)

۱-۷. رویکرد تلفیقی و میان‌رشته‌ای

مطالعه تلفیقی و میان‌رشته‌ای، تحلیل مسئله‌ای واحد در پرتو رشته‌ها و دانش‌های گوناگون است که در مورد مسائلی که چندتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد. (قراملکی، ۱۳۹۱: ۳۹۴) مطالعه میان رشته‌ای، مولود بصیرت دانشمندان به آفات حصر گرایی به رویکردی خاص و غفلت از سایر رویکردهاست که آن‌را خطای تحویلی نگری می‌نامند. (همو: ۳۸۳) در رویکرد میان رشته‌ای، سعی می‌شود حقیقت مسائل دینی همچون امامت، به شیوه‌ی «کثرت گرایی روشمند» با استفاده از داده‌های تفسیری، روایی، کلامی، تاریخی و عرفانی شناخته شود و این به معنای جمع جبری و التقاط و در آمیختن دیدگاه‌ها نیست. (همو: ۳۸۸-۳۹۳)

مسلمانان - اعم از شیعه و اهل سنت - این رویکرد را به‌طور گسترده‌ای در بررسی مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کار گرفته‌اند و معمولاً دفاعیه و ردیه‌هایی که در این موضوع نوشته شده، این رویکرد را دنبال کرده‌اند.

۲. رویکردهای امامت پژوهی اهل سنت

۲-۱. رویکرد فقهی اهل سنت

اهل سنت عمدتاً امامت را مسأله‌ای سیاسی دانسته و آن‌را در مباحث فقهی به بحث نشسته و انتخاب امام را واجبی شرعی و بر عهده مکلفین دانسته‌اند. بحث کلامی امامت نزد ایشان

صرفاً در جهت ردّ ادعای شیعیان در اعتقادی بودن این مسأله بوده است؛ سید شریف جرجانی در شرح مواقف می‌نویسد:

«بر خلاف نظر شیعه، امامت از اصول دین و اعتقادات نیست؛ بلکه در نظر ما از فروع احکام و متعلق به افعال مکلفین است؛ چرا که بنابر ادله نقلیه، نصب امام بر امت واجب است، و ذکر آن در علم کلام، فقط به خاطر تأسی به گذشتگان بوده است؛ چرا که عادت ایشان ذکر این مبحث در پایان علم کلام بوده است». (جرجانی، بی‌تا: ۳۷۶/۷)

این رویکرد فقط در بحث امامت عامّه مطرح می‌شود و در آن به بررسی احکام مربوط به نصب امام، شرایط امام، نحوه بیعت و وظایف امت در مقابل امام پرداخته شده است. به طور نمونه، ابن حزم اندلسی در «المحلّی بالآثار»، بخشی مجزا با عنوان «کتاب الإمامة» نوشته و در آن به اثبات فقهی موارد زیر پرداخته است:

۱. برای هیچ مسلمانی جایز نیست که دو شب را بدون داشتن بیعت با امام به صبح برساند.
 ۲. خلافت جز برای مردی از خاندان قریش جائز نیست.
 ۳. در دنیا جز یک امام نمی‌تواند باشد و [اگر با دو نفر بیعت شود]، حکومت از آن اوّلی است.
 ۴. امر به معروف و نهی از منکر [نسبت به امام] واجب است.
 ۵. امام باید از گناهان کبیره اجتناب ورزد و گناهان صغیره را نیز در ظاهر مرتکب نگردد. به آنچه به وی مربوط می‌شود آگاه باشد و در امر سیاست به خوبی عمل کند.
 ۶. اگر فردی برتر یا مساوی و یا مادون امام قریشی قیام کرد، واجب است که همراه امام با ایشان جنگید، مگر اینکه امام فردی جائز باشد. (ابن حزم، ۱۴۲۱ ق: ۸/۴۲۰-۴۲۶)
- رشیدرضا نیز در کتاب «الخلافة» به تبیین مواردی مشابه آنچه از ابن حزم نقل شد، پرداخته است. (الخلافة ۱۵-۵۹)

اهل سنت حتی وظایف امام را نیز به عنوان یک مسأله فقهی استخراج کرده‌اند. ابن تیمیه از همان ابتدای کتاب «السیاسة الشرعية فی اصلاح الراعی والرعية» به این امر پرداخته و وظایف زیر را برای امام برشمرده است:

۱. تعیین شایسته‌ترین فرد را برای مناصب حکومتی.
۲. اصلاح دین و اصلاح امور دنیوی که دین مردم وابسته به آن‌هاست که عبارتند از: الف) تقسیم دارایی بین مستحقان.

ب) اجرای حدود و مجازات‌های مجرمان.

۱. مدیریت امور مالی

الف) اعطای اموال و حقوق هر فرد بر اساس واقعیت و نه هوای نفس.

ب) اعطای اموالی برای تألیف قلوب و جذب مخالفان.

۲. قضاوت و اجرای حدود.

۳. اجرای امور حکومتی، وقوف و وصایایی که به فرد معینی واگذار نشده است. (ابن

تیمیه، ۱۴۲۹ ق: ۷-۱۱۰)

وی در تبیین ویژگی‌های لازم برای امام جامعه اسلامی نیز شرایط زیر را لازم می‌داند:

۱. قدرت و تسلط بر نفس: شامل صفات حلم، صبر و غیره.

۲. قدرت تسلط بر دیگران: شامل صفات شجاعت، کارآزمودگی و غیره. (همو: ۳۵-۳۹)

در آثار رشیدرضا نیز به موارد مشابهی برمی‌خوریم. (رشیدرضا، ۲۰۱۲ م: ۳۱-۳۳) رشید

رضا علاوه بر این‌ها، به واکاوی مفهوم و مصداق کنونی «اهل حلّ و عقد» که یکی از

ارکان تعیین خلیفه در نظر اهل سنت است، پرداخته است. (همو: ۵۹-۶۲)

نقد و بررسی

گفته شد که رویکرد فقهی، بررسی امامت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از منظر علم فقه

است؛ بنابراین پیش‌فرض این رویکرد، این است که مسأله امامت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

یک مسأله فقهی و فرعی و در محدوده اعمال مکلفین قرار می‌گیرد.

مهمترین اشکال این رویکرد، وجود همین پیش‌فرض است. امری که سبب تقلیل مسأله

جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حوزه امور اجتماعی و مغفول ماندن ابعاد عظیم‌تر امامت بوده

است، و به تبع آن سلفیه و اهل سنت نتوانسته‌اند مراد شیعه از امامت را به درستی درک و

ادله شیعیان را به ویژه ادله کلامی، فلسفی و عرفانی قبول کنند.

متکلمان شیعی نقدهای فراوانی به این رویکرد و پیش‌فرض آن وارد کرده‌اند. برای نمونه

علامه حلی، ۲۹ وجه در بطلان این رویکرد نگاشته است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. اهل سنت گرچه امامت را مانند شیعیان از اعظم ارکان دین و مثبت ایمان نمی‌دانند،

ولی آن را یکی از مسائل جلیّه و مطالب عظیمه فروع دین می‌شمارند. پس چگونه می‌توان

حکم آن را به عهده مکلفین قرار داد، درحالی که مسائل بسیار جزئی‌تر و کوچکتر آن به

عهده ایشان نیست و تعبداً از جانب خداوند بیان می‌شود.

۲. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ [احزاب/۳۶] هیچ مرد و زن مؤمنی در مورد امری که خداوند و رسولش حکم کرده‌اند، حق اختیاری از خود ندارند. پس یا خداوند حکم به ترک این مسأله (و سکوت اختیار) کرده که در این صورت مکلفین حق اثبات آن را ندارند، و یا آن را بیان کرده و آن را مهمل نگذاشته که در این صورت مطلوب ما ثابت است.
۳. نصب امام توسط مکلفین، تقدیم و پیش‌افتادن از خداوند و رسول ﷺ است. امری که قرآن از آن نهی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [حجرات/۱] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید.
۴. خداوندی که ریزترین احکام شریعت را همچون مسائل خوردن و آشامیدن را به تفصیل بیان کرده است، چگونه ممکن است از این امر عظیم اهمال کرده باشد؟!
۵. استناد امامت به اختیار مردم، نقض غرض است؛ زیرا هدف از نصب وی، اطاعت مردم از ایشان و آرام کردن فتنه‌ها و جلوگیری از هرج و مرج است و این اهداف وقتی به‌دست خواهد آمد که تعیین‌کننده امام، خود این مردم نباشند (و الا همان خواهد شد که در تاریخ پرنزاع و جنگ اسلام قابل مشاهده است). (حلی، ۱۴۲۳ ق: ۱/ ۷۶-۹۶)

۲-۲. رویکرد تاریخی اهل سنت

رویکرد دیگر اهل سنت در بررسی موضوع جانشینی پیامبر اکرم ﷺ رویکرد تاریخی بوده است که تفاوت خاصی با رویکرد تاریخی اهل سنت ندارد. گزاره‌های تاریخی مورد استناد آنان در جهت اثبات عدم نصب جانشین توسط پیامبر اکرم ﷺ و نیز اثبات مشروعیت خلافت ابوبکر است.

ابن تیمیه (۶۷۱-۷۲۸ق) خلاصه نتیجه رویکرد تاریخی خویش را چنین بیان کرده است: «تحقیق مطلب آن است که پیامبر ﷺ مسلمین را بر انتخاب ابوبکر به خلافت راهنمایی کرد و ایشان را با امور متعددی از گفتار و رفتار به این امر ارشاد کرد و رضایت‌مندانه و تمجیدگرانه از خلافت وی خبر داد، و تصمیم داشت تا وصیتی نیز در این باب بنگارد، ولی چون دانست که مسلمین خود چنین خواهند کرد، نوشتن را ترک کرد. دوباره در دوران مریضی خویش در روز پنجشنبه عزم نوشتن آن کرد ولی چون برای برخی صحابه شک ایجاد شد که آیا این گفته ایشان از روی مریضی است یا واجب الإلتباع است، منصرف گردید، چراکه می‌دانست خداوند و مسلمانان ابوبکر را انتخاب خواهند کرد». (ابن تیمیه، ۱۴۲۵ ق: ۱/ ۳۰۸)

برخی از وجوه تاریخی مورد استدلال اهل سنت عبارتند از:

- عدم اشتهاار نصب
- عدم احتجاج امام علی علیه السلام به اصل نصب
- عدم اقدام حضرت برای تصدی حکومت
- پذیرش بیعت ابوبکر توسط امام علی علیه السلام
- شرکت علی علیه السلام در شورای تعیین خلیفه سوم
- نپذیرفتن حکومت پس از قتل خلیفه سوم توسط امام علی علیه السلام
- همکاری امام علی علیه السلام با خلفای وقت
- اقتدا به نماز خلفا
- رابطه فامیلی با خلیفه دوم
- نامگذاری فرزندان امام علی علیه السلام به نام‌های خلفا. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۶۰-۳۴۵)

نقد و بررسی

رویکرد تاریخی قطعاً در بررسی هر امر تاریخی ضروری است؛ اما اولین اشکال متوجه پژوهش‌های تاریخی صرف، عدم بررسی دقیق همه شواهد تاریخی و جمع آن با شواهد عقلی، قرآنی و روایی است. نکته دیگر آنکه در مطالعه یک واقعه تاریخی به طور عام و در نگرش به وقایع و برخوردها در صدر اسلام به طور خاص، می‌توان به دو شیوه عمل کرد:

الف. مطالعه تاریخ‌محور که بر اساس آن محقق صرفاً با رجوع به منابع تاریخی، سعی در فهم دقیق از وقایع و حوادث دوره‌ای خاص دارد؛

ب. مطالعه اندیشه‌محور که پژوهش‌گر از طریق کنکاش در اندیشه‌ها و تفکرات یک عصر، می‌کوشد فضای حاکم بر آن زمان و حوادث مربوط به آن را توضیح دهد.

اما هیچ کدام از این روش‌ها به تنهایی کافی نبوده، برای رسیدن به نتیجه دقیق علمی، به ویژه در وقایع مختلف صدر اسلام، لازم است هر دو روش در کنار هم و کامل‌کننده یکدیگر باشند. وقایع تاریخی از این دست را باید با تفکرات عقیدتی رایج در آن زمان بررسی کرد تا نتیجه درست حاصل شود. (قائمی، ۱۳۹۳: ۴۷)

۲-۳. رویکرد نص‌گرایانه سنتی (دفاعی) و وجوه استدلال اهل سنت

نصوص معتبر نزد اهل سنت علاوه بر قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، شامل سنت صحابه نیز هست؛

بنابراین در مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به هر سه تمسک جسته‌اند. پاسخ‌هایی نیز توسط آنان به نصوص مورد استناد شیعیان ارائه شده است که برخی از آن‌ها در رویکرد کلامی اهل سنت مطرح شده است.

۲-۳-۱- آیات قرآنی مورد استدلال برای مشروعیت خلافت ابوبکر

اهل سنت برخی از آیات قرآنی را متضمن اشاره بر خلافت ابوبکر دانسته‌اند. در جدول زیر این آیات به اختصار بیان شده است.^۱

موضوع فرعی	آیه مورد استدلال	توضیحات
امامت عامه	شورایی بودن نصب امام	وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ [سوره شوری: ۴۲، آیه ۳۸] و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست.
	انتصابی و از اصول نبودن امامت	عدم ذکر اسماء ائمه در قرآن
فضائل ابوبکر	ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ... [سوره توبه: ۹، آیه ۴۰] در حالی که دومین نفر بود در آن هنگام که آن دو (پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر) در غار بودند...	آیات فضائل را می‌توان به صورت برهانی پسینی صورت‌بندی کرد:

۱. برای تفصیل بیشتر می‌توان به کتب زیر مراجعه کرد: الهیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۷-۴۲، فی النصوص السمعیة الدالة علی خلافته من القرآن و السنة. ناصر بن علی، عقیده اهل السنة و الجماعة، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۵۳۲ به بعد، ذکر النصوص التي فيها الاشارة الى خلافته من الآيات القرآنية و الاحادیث النبویه. الدوانی، جلال الدین محمد، الحجج الباهرة، مکتب البخاری، ۱۴۲۰ ق. ص ۷۰ به بعد، خلافة ابی بکر الصديق.

موضوع فرعی	آیه مورد استدلال	توضیحات
	وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا... [سوره تحریم: ۶۶، آیه ۳] آن گاه که پیامبر با یکی از زنان خود رازی در میان نهاد...	
افضلیت ابوبکر	وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى [سوره لیل: ۹۲، آیه ۱۷] و باتقواترین مردم از آن (دوزخ) دور داشته می‌شود.	
ج. ۱۰ ع. ۱۰	قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا... [سوره فتح: ۴۸، آیه ۱۶] به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می‌شود که به سوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می‌دهد...	تمجید خداوند از جانشینان پیامبر ﷺ و امر به اطاعت از ایشان، نشانگر مشروعیت خلافت ایشان است. (جرجانی، ۱۴۳۳ق: ۸/ ۳۹۵)
	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... [سوره نور: ۲۴، آیه ۲۵] خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...	
	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ [سوره مائده: ۵، آیه ۵۴] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند. خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند.	

جدول ۱: آیات مورد استناد اهل سنت در مسأله جانشینی پیامبر اکرم ﷺ

۲-۳-۲- روایات نبوی ﷺ مورد استدلال برای مشروعیت خلافت ابوبکر

برخی از روایات مورد استناد اهل سنت در مورد خلافت ابوبکر عبارتند از:

موضوع	حدیث مورد استدلال	ترجمه و توضیحات
افضلیت ابوبکر	«مروا ابابکر فلیصل بالناس». (بخاری، بی تا: ۱۲۴/۲)	پیامبر ﷺ در بیماریشان فرمودند: «به ابوبکر بگویید که به عنوان امام جماعت نماز را بخواند.»
	«والله ما طلعت شمس ولا غربت بعد النبیین والصدیقین علی افضل من ابی بکر». (متقی هندی، بی تا: ۵۵۷/۱۱)	«به خدا سوگند بعد از انبیاء و صدیقین خورشیدی بر شخص برتر از ابوبکر طلوع و غروب نکرده است.»
	«هما (ابوبکر و عمر) سیدا کهول الجنة ما خلا النبیین والمرسلین». (ترمذی، بی تا: ۲۷۲/۵)	«این دو (ابوبکر و عمر) آقای پیران بهشتند به جز انبیاء و رسولان.»
	«خیر امتی ابوبکر ثم عمر». (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق: ۳۷۶/۳۰)	«بهترین مردمان امت من ابوبکر و سپس عمر هستند.»
	«ان امن الناس علی فی صحبته و ماله ابوبکر و لو كنت متخذاً خلیلاً لاتخذت ابابکر ... و لا یقین باب الا سد الا باب ابی بکر». (بخاری، بی تا: ۲۸۸/۲)	«امین ترین مردمان در هم نشینش با من و در مالش، ابوبکر است، و اگر بنا بر انتخاب خلیل و دوستی برای خود داشتم ابوبکر را انتخاب می کردم... و تمامی درب ها (ی مسجد) را جز درب خانه ابوبکر را ببندید.»
لزوم اقتداء به ابوبکر	«اقتدوا بالذین من بعدی ابی بکر و عمر». (احمد بن حنبل، بی تا: ۳۸۵/۵)	«به کسانی که پس از من هستند، ابوبکر و عمر، اقتدا نمایید.»
	«لا ینبغی لقوم فیهم ابوبکر ان یتقدم علیه غیره». (ترمذی، بی تا: ۲۷۶/۵)	«سزاوار نیست قومی که در میانشان ابوبکر است، دیگری مقدم شود.»
	«ان لم تجدینی فاتی ابابکر». (بخاری، بی تا: ۲۸۹/۲)	«اگر مرا نیافتی به سراغ ابوبکر برو.»
اشاره به خلافت ابوبکر	«ادعی لی ابابکر و اخاک حتی اکتب کتابا ... یابی الله والمؤمنون الا ابابکر». (بخاری، بی تا: ۴۷/۲)	پیامبر اکرم ﷺ به عایشه و نیز به عبدالله بن ابی بکر فرمودند: «ابوبکر را صدا بزنید تا نوشته ای بنویسم ... خداوند و مؤمنان از (خلافت) غیر ابوبکر ابا دارند.»
	«بینا انا نائم اريت انی انزع علی حوضی اسقی الناس فجائنی ابوبکر فاخذ الدلو	«در حالت رؤیا دیدم که از حوض آب می کشم و به مردم می دهم. سپس ابوبکر آمد و دلو را از

موضوع	حدیث مورد استدلال	ترجمه و توضیحات
	من یدی لیروحنی...». (بخاری: ۲۹۰/۲)	دستانم گرفت و مرا آسوده ساخت.»

جدول ۲: روایات نبوی مورد استناد اهل سنت در مسأله جانشینی

(برای نمونه ن.ک: جرجانی، ۱۴۳۳ ق: ۸/ ۳۹۶ به بعد. ابن حزم، ۱۴۲۱ ق: ۴/ ۱۰۸ به بعد)

۲-۳-۳- سنّت صحابه مورد استدلال برای مشروعیت خلافت ابوبکر

همانطور که بیان شد، اهل سنت، سنّت صحابه را نیز دلیلی شرعی پنداشته و بدان استدلال کرده‌اند. در جدول زیر برخی از این موارد که متضمن اشاره بر خلافت ابوبکر است، به اختصار بیان شده است.

موضوع فرعی	سنّت صحابه مورد استدلال	ترجمه و توضیح
امامت خاصه	قول الصحابة وعلى عليه السلام لابي بكر: «يا خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله ». (طبری، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۶/۳)	خطاب صحابه و امام علی عليه السلام به ابوبکر با عبارت: «ای خلیفه رسول خدا صلى الله عليه وآله »
مشروعیت خلافت ابوبکر	عدم کمک صحابه به امام علی عليه السلام در به دست گرفتن جانشینی بلا فصل	

جدول ۳: سنّت صحابه مورد استناد اهل سنت در مسأله جانشینی (همان)

۲-۳-۴- شبهه در دلالت نصوص امامت امام علی عليه السلام

برخی از اهل سنت، منکر اصل وجود نصوصی بر امامت امام علی عليه السلام نیستند، ولی به انحاء مختلف آن‌ها را توجیه می‌کنند، به گونه‌ای که با خلافت خلفا سازگار باشد. نمونه‌هایی از این توجیهات در زیر آمده است.

۱. بیان اولوئیت و احقیقت
۲. حمل بر کاندیداتوری
۳. اختصاص امامت به هدایت و مرجعیت علمی و دینی
۴. جوانی حضرت
۵. اهل مزاح بودن حضرت
۶. عدم پذیرش عرب
۷. دوست داشتن قبیله عبدالمطلب
۸. کراهت جمع نبوت و امامت در یک خاندان
۹. ادعای نسخ امامت امام علی علیه السلام
۱۰. تعارض نصوص
۱۱. اثبات مطلق خلافت، نه خلافت بلافصل

نقد و بررسی

امروزه استدلالات و تغییر معتناهی در این رویکرد به چشم نمی خورد و عمدتاً دنباله رو همان روش ها و استدلالات گذشتگان بوده اند. پاسخ تفصیلی به همه ی این موارد از موضوع و حوصله این تحقیق خارج و در کتب مربوطه قابل پیگیری است. (برای نمونه ن.ک: قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۳۶۹-۴۴۹؛ میلانی، ۱۳۸۹)

۲-۴. رویکرد نص گرایانه جدید (تهاجمی) و وجوه استدلالات اهل سنت و سلفیه

طیف جدیدی از اهل سنت و سلفیه از لاک دفاعی خارج شده و با مراجعه به نصوص خود شیعیان، تلاش در جهت یافتن ادله و شواهدی به نفع خویش می کنند؛ رویکردی که شیعیان از ابتدا از آن در مسیر درستش بهره می برده اند.

ناصر القفاری درباره لزوم چنین رویکردی در نقد تشیع می نویسد:

«مهمترین کتب شیعه، «اصول کافی» است که نامی از آن در آثار اشعری، ابن حزم و یا ابن تیمیه دیده نمی شود. درحالی که این کتاب امروزه، اصل اولی مورد اعتماد شیعه در زمینه احادیث ائمه است که اساس مذهب ایشان را تشکیل می دهد. همچنین طبیعت این مذهب آن است که دائماً در حال

تطور است و نسل به نسل تغییر می‌کند...

امروزه کتب شیعیان برخلاف گذشته به‌وفور یافت می‌شود ... پس لازم است آنان را مورد مهمترین نقد و بررسی‌ها قرار دهیم؛ چراکه حجت بر هر طائفه‌ای به‌واسطه آنچه بدان ایمان و تصدیق دارد، تمام می‌شود.

با این حال کتب اهل سنت معاصر درباره شیعه دوازده‌امامی، نسبت به آنچه شیعه از اهل سنت می‌نگارد بسیار کم است و کفایت امر را نمی‌کند؛ چراکه مذهب ایشان مبتنی بر صدها کتاب است ...» (قفاری، بی‌تا: ۱/ ۱۲-۱۳)

قفاری، استاد دانشگاه محمد بن سعود ریاض، در ادامه کلامی که از وی نقل شد، در توصیف رساله‌ی دکترای خویش می‌نویسد:

«در نوشته‌های پیشین، جوانب مهمی را در بررسی مذهب دوازده‌امامی مغفول یافتم؛ مانند عقیده ایشان در اصول دین که در باب دوم رساله‌ام به تحقیق آن پرداختم. همچنین به شناخت آراء شیعیان معاصر و رویکردهای آنان و ارتباطشان با فرق گذشته و کتب قدمایشان پرداخته ... و معلومات جدید را کشف کردم که شاید مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

اولاً: بررسی مذهب تشیع دوازده‌امامی در اصول دین ...

ثانیاً: ... عقایدی که تا آنجا که می‌دانم کسی بدان نپرداخته است، مثل اعتقاد به عدم حجیت قرآن مگر با وجود یک قیّم، نزول معظم قرآن درباره ایشان و دشمنانشان، ظهور، طینت و نزول کتب آسمانی بر ائمه ... همچنین به بررسی زمان آغاز عقیده تحریف قرآن در بین شیعه ... تحقیق درباره وجود مهدی ...» (همان: ۱/ ۱۳-۱۴)

بنابراین در کتاب قفاری، با رویکرد جدیدی مواجهیم که با توجه به لیست هفت صفحه‌ای مهمترین منابع شیعی مورد مراجعه‌اش (همان: ۱/ ۱۷-۲۳)، واضعتر می‌شود.

اما در خصوص مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در باب ثالث، فصل اول را به عقیده شیعه درباره «امامت» اختصاص داده است. ابتدا با بیان روایتی از رجال کشی، عبدالله بن سبأ را مروج عقیده انحصار امامت در وصی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی می‌کند. سپس همین عقیده را در آثار ثقة‌الاسلام کلینی رحمته‌الله، شیخ صدوق رحمته‌الله، علامه مجلسی رحمته‌الله و محمد حسین آل کاشف الغطاء رحمته‌الله پی‌جویی می‌کند، تا ثابت کند همان عقیده ابن سبأ است. سپس می‌نویسد: «و در نقد این عقیده آنان، همین قدر کافیت که از ابن سبأ و یهودیت اخذ شده است.» (همان: ۲/ ۶۵۴ - ۶۵۵)

وی در ادامه، والاتر بودن منزلت امامت از نبوت نزد شیعه و سرّی بودن آن را بیان می‌کند؛ سپس با استناد به خبری در رجال کشی و کافی، مؤمن طاق را مخترع عقیده انحصار ائمه در عدد معین می‌شمارد و اینکه حتی طبق خبری در رجال کشی، خود امام صادق علیه السلام این فکر را کذب بر خودشان دانسته‌اند؛ سپس با استناد به روایاتی در کتب شیعه، اختلاف در عدد ائمه علیهم السلام حتی نزد شیعه را گوشزد کرده و به نقد آن می‌نشیند. (همان: ۲/ ۶۵۶ - ۶۷۵)

قفاری سپس به بررسی ادله قرآنی و روایی شیعه در اثبات جانشینی امام علی علیه السلام پرداخته، لکن به ذکر آیه ولایت و حدیث غدیر اکتفا کرده و مابقی را به کتب مطول ارجاع داده است. وی در نقد این دو دلیل منهج جدیدی ندارد و به همان اشکالات سندی و دلالی ابن تیمیه و دیگران اکتفا کرده است. (همان: ۲/ ۶۷۸ - ۶۹۶)

تنها ابتکار وی در ادامه، بخش بعدی این فصل است که به نصوص جانشینی امام علی علیه السلام در کتب شیعه اختصاص داده شده است. قفاری با معرفی نهج البلاغه، به عنوان تنها کتابی که شیعه به تک‌تک کلمات آن اطمینان دارد (!)، زمینه ورود به روایت زیر را که موهم عدم وجود نصّ برای امام علی علیه السلام است، هموار می‌سازد:

«رهایم کنید و به دنبال غیر من باشید؛ چراکه ما ماجرای را در پیش خواهیم داشت که چهره و رنگ‌های مختلفی داشته، قلب‌ها بدان مطمئن نشده و عقل‌ها بر آن ثبات نمی‌یابند. پس اگر مرا رها کنید، چون یکی از شما خواهم بود و شاید شنونده‌ترین و مطیع‌ترینتان در برابر خلیفه انتخابی شما باشم، و من به عنوان وزیر برایتان سودمندتر از یک امیر هستم.»^۱

قفاری سپس استدلال خویش را با کلام علامه حلی در حرمت اقاله خلافت توسط امام، تکمیل می‌کند. (قفاری، بی‌تا: ۲/ ۶۹۸ - ۶۹۹) در پایان به عدم ذکر ائمه علیهم السلام در قرآن، برخی استبعاداتی که از ابن تیمیه نقل شد و چند استبعاد دیگر، کلام را درباره تنصیبی بودن جانشینی امام علی علیه السلام پایان می‌دهد. (همان: ۲/ ۷۰۴-۷۱۳)

افراد دیگری همچون عثمان محمد الخمیس (معاصر) نیز همین رویکرد را ادامه داده‌اند. وی از مشهورترین مناظره‌کنندگان وهابی است که با دکتر عصام العماد (مستبصر) نیز مناظراتی داشته است. از تألیفات وی در این حوزه، می‌توان به «سیاحه فی کتاب الکافی» و «کتاب الکافی، عرض

۱. «دعونی والتمسوا غیری فاننا مستقبلون امرأ له وجوه وألوان لا تقوم له القلوب ولا تثبت علیه العقول، وإن ترکتمونی فإنی كأحدکم، ولعلی أسمعکم وأطوعکم لمن ولّیتموه أمرکم، وأنا لکم وزیراً خیر منی لکم أمیراً». نهج البلاغه: ۱۳۶.

و نقد» اشاره کرد که البته در موضوع جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطلبی را تحریر نکرده است.

نقد و بررسی

رویکرد فوق نمونه‌ای از رویکرد جدید سلفیه در مواجهه با عقاید شیعه را به خوبی نشان می‌دهد که ارکان آن عبارتند از: اتخاذ پیش فرض‌ها، مراجعه به منابع قدیم و جدید شیعه، انتخاب مغرضانه و جانبدارانه مطالب در تأیید پیش فرض‌ها. رویکرد تاریخی - نص‌گرایانه سلفیه، نمونه‌ای از یک رویکرد میان رشته‌ای و خوب است، لکن به شرطی که به آفات تعصب، پیش‌داوری، ... مبتلا نباشد؛ ولی ایشان عمدتاً با پیش فرض گرفتن صحت عمل صحابه، راه را برای کشف حقیقت از انبوه آیات و روایاتی که شیعیان در اثبات جانشینی امام علی علیه السلام بیان کرده‌اند، بسته‌اند.

۲-۵. رویکرد کلامی و وجوه استدلالات سلفیه

همانطور که قبلاً بیان شد، سلفیه، امامت را مسأله‌ای فقهی می‌دانند نه کلامی؛ بنابراین رویکرد کلامی ایشان صرفاً در جهت رد استدلالات شیعیان بوده است. در ادامه به برخی از مهمترین وجوه استدلال ایشان در این رویکرد اشاره شده است.

۲-۵-۱- اجماع امت بر خلافت ابوبکر، نشانه مشروعیت آن است

دلیل اجماع از مهمترین ادله مورد استناد سلفیه در مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. ایشان برای تثبیت آن، ادله‌ای بر حجیت اجماع نیز ذکر کرده‌اند. (برای نمونه ن.ک: الصوارم المهرقه، تالیف قاضی نورالله شوشتری، صفحه ۲۷۴ به بعد)

۲-۵-۲- نصب، عامل تفرقه

دلیل دیگر اهل سنت در رویکرد کلامی آن است که وجود نص، سبب موافقت و مخالفت عده‌ای خواهد شد که این امر به تفرقه میان مسلمین منجر می‌شود و بنابراین محال است خداوند حکیم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین کرده باشند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۵۳)

۲-۵-۳. ناسازگاری امامت با دموکراسی

افرادى چون احمد امين مصرى در ضحى الإسلام^۱ اصل امامت را ناسازگار با دموکراسی

۱. و حتى به تبع آن افرادی چون دکتر سروش در سخنرانی دانشگاه سوربن پاریس، ۱۳۸۵ ش. تحت عنوان مردم‌سالاری و تشیع.

دانسته‌اند؛ چراکه انتخاب امام از سوی خداوند یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معنای نادیده انگاشتن رأی مردم خواهد بود.

نقد و بررسی

شیعیان در پاسخ به دلیل اجماع، هم در اصل حجیت اجماع، به ویژه در مسأله امامت و هم در تحقق خارجی آن، در مورد خلافت ابوبکر خدشه کرده‌اند. (برای نمونه ن.ک: «الصوارم المهرقه»، تألیف قاضی نورالله شوشتری، صفحه ۲۷۴ به بعد) اما پاسخ شیعیان به این استدلال که نصب امام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله سبب تفرقه امت می‌گردد، به اختصار چنین است:

۱. بر همه مسلمین لازم است از احکام الهی تبعیت کنند، نه اینکه به خاطر اختلاف آنان، احکام الهی ساقط شود.

۲. نصب امام، آن هم توسط خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قطعاً کمتر سبب ضرر و اختلاف خواهد شد، نسبت به نصب آن توسط مردم.

۳. امکان خطا در انتخاب مردم وجود دارد، به خلاف تنصیب الهی.

جواب نقضی: خلیفه دوم و سوم به انتخاب مردم عهده دار خلافت نشدند، بلکه به تنصیب ابوبکر و شورای شش نفره تعیین شده از سوی عمر انتخاب شدند! (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۵۳)

و اما در پاسخ به اشکال سوم که امامت را با دموکراسی ناسازگار دانسته است، باید در نظر داشت که اسلام، دموکراسی را به مثابه یک ارزش نمی‌داند؛ چراکه انتخاب اکثریت، فی نفسه خطاپذیر است، به ویژه در امر خطیر امامت و رهبری امت که مطمع اهواء افراد زیادی خواهد بود. بله! می‌توان گفت دموکراسی، به عنوان یک روش، منافاتی با اسلام ندارد، به شرط آنکه حدود و احکام دین مصون بماند؛ بنابراین همانطور که در سیره امامان علیهم السلام نیز دیده می‌شود، ایشان رای و بیعت مردم را شرط لازم برای پذیرفتن زمام حکومت می‌دانسته‌اند^۱ که البته منافاتی با منصوص بودن ولایت ایشان ندارد.

اگر قرار باشد نسبت اسلام و دموکراسی در صدر اسلام سنجیده شود، باید خلافت عمر توسط نصب و توصیه خلیفه اول و تعیین عثمان توسط هیأت شش نفره منصوب عمر

۱. برای نمونه حضرت علی علیه السلام فرمودند: «فان بیعتی لا تكون خفیا و لا تكون الا عن رضی المسلمین». ترجمه: «پس همانا بیعت با من مخفیانه نخواهد بود و جز با رضایت مسلمانان انجام نخواهد گرفت». (طبری، ۱۴۰۸ ق: ۴/ ۴۲۷)

کالبدشکافی شود و روشن شود که اسلام اهل تسنن، نه تشیع، با دموکراسی عملاً ناسازگار است. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۲۷)

نتیجه

با استقراء نگاشته‌های پیرامون امامت توسط پژوهش‌گران مسلمان و غیرمسلمان، می‌توان هفت رویکرد عمده را در این آثار مشاهده کرد: رویکرد فقهی، تاریخی‌نگری، نص‌گرایانه، تحلیلی، عرفانی، پدیدارشناسانه و رویکرد تلفیقی و میان‌رشته‌ای.

متگلمان شیعه به استثنای رویکرد فقهی و پدیدارشناسانه، سایر رویکردها را در بررسی مسأله امامت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گسترش داده‌اند. علت عدم پرداختن دانشمندان شیعه به رویکرد فقهی، فرعی انگاشته شدن مسأله امامت، در این رویکرد است؛ بنابراین اهل سنت به آن، توجهی ویژه داشته‌اند.

اهل سنت چون موضوع امامت را بحثی فرعی و از اعمال مکلفین دانسته‌اند، در علم فقه که مربوط به اعمال مکلفین است، این بحث را پیگیری کرده و رویکرد کلامی و فلسفی به آن نداشته‌اند؛ بنابراین طرح این موضوع در برخی از کتب کلامی ایشان، از باب ردّ نظریه تنصیصی بودن امامت و اثبات مشروعیت خلافت خلفای ایشان بوده است. مهمترین اشکال این رویکرد اهل سنت، وجود همین پیش‌فرض است؛ امری که سبب تقلیل مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حوزه امور اجتماعی و مغفول ماندن ابعاد عظیم‌تر امامت بوده است.

رویکرد تاریخی و نص‌گرایانه نیز به ویژه در پاسخ به عقیده شیعه در تنصیصی بودن امامت، مورد توجه آنان بوده است. البته برخی از ایشان که قائل به نصّ جلی یا خفی بر خلافت ابوبکر بوده‌اند به آیات و روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سنت صحابه استناد کرده‌اند. گاهی نیز استناد به این موارد برای اثبات مشروعیت خلافت وی بوده است و نه تنصیصی بودن آن. در دهه‌های اخیر رویکرد نص‌گرایانه تهاجمی نیز در دستور کار برخی وهابیون قرار گرفته است که با مراجعه انتقادی به منابع شیعی، سعی در به چالش کشیدن مبانی تشیع داشته‌اند.

اشکال پژوهش‌های تاریخی صرف، عدم بررسی دقیق همه شواهد تاریخی و جمع آن با شواهد عقلی، قرآنی و روایی و بسنده کردن به یکی از دو روش مطالعه تاریخ‌محور و یا اندیشه‌محور است؛ اما هیچ‌کدام از این روش‌ها به تنهایی کافی نبوده، برای رسیدن به نتیجه دقیق علمی، به ویژه در وقایع مختلف صدر اسلام، لازم است هر دو روش در کنار هم و

کامل کننده یکدیگر باشند.

استدلالات به کار گرفته شده در رویکرد نص گرایانه اهل سنت تغییر معنابهی در طول زمان نداشته است؛ و عمدتاً دنباله رو همان روش ها و استدالات گذشتگان بوده اند که پاسخ تفصیلی آن ها در منابع کلامی شیعه از قدیم الایام داده شده است. رویکرد نص گرایانه تهاجمی که در دوره معاصر توسط برخی از سلفیه گسترش یافته، مبتنی بر اتخاذ پیش فرض ها، مراجعه به منابع قدیم و جدید شیعه، انتخاب مغرضانه و جانبدارانه مطالب در تأیید پیش فرض هاست که توجه به این مراحل اشکال آن را به سادگی هویدا می سازد.

در جدول زیر به طور خلاصه کاربردهای مختلف توسط شیعیان، سلفیه، اهل سنت و خاورشناسان در بررسی مسأله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را می توان مشاهده کرد:

رویکردها	شیعیان	سلفیه و اهل سنت		خاورشناسان
		در موضع اثباتی	در نقد نظریه تنصیب	
فقهی	—	√	—	—
نص گرایانه	√	√	√ (دفاعی و تهاجمی)	—
تاریخی نگری	√	—	√	√
کلامی	√	—	√	—
فلسفی	√	—	—	—
عرفانی	√	—	—	—
پدیدارشناسانه	—	—	—	√

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.
۱. ابن حزم الأندلسی، (بی تا)، *الفصل فی الملل والأهواء والنحل*، مكتبة الخانجي، القاهرة، بی تا.
۲. _____، (۱۴۲۱ ق)، *المحلی بالآثار*، دارالفکر، بیروت.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۲۹ ق)، *السیاسة الشرعية فی اصلاح الراعی والرعیة*، تحقیق علی بن محمد العمران، دار عالم الفوائد، الطبعة الأولى.
۴. _____، (۱۴۲۵ ق)، *منهاج السنة النبویة*، دارالحديث، القاهرة.
۵. ابن عساکر، أبو القاسم علی بن حسن بن هبة الله (۱۴۲۱ ق)، *تاریخ دمشق الكبير*، محقق: علی عاشور الجنوبی، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، لبنان.
۶. ابو نعیم الاصبهانی، (۱۴۲۵ ق)، *الامامة و الرد علی الرافضة*، الطبعة الرابعة، مكتبة العلوم و الحكم، المدينة المنورة.
۷. احمد بن محمد بن حنبل، (بی تا)، *المسند*، دار صادر، بیروت، بی جا.
۸. آملی، سید حیدر، (۱۳۸۲ ش)، *انوار الحقیقة و اطوار الطریقة و اسرار الشریعة*، تحقیق و تعلیق سید محسن موسوی تبریزی، مطبعة الاسوة، قم.
۹. _____، (۱۳۸۴ ش)، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تصحیح هانری کربن و عثمان عیسی یحیی، چاپ سوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۰. بابایی، رضا، (۱۳۷۹ ش)، *مولا در چشم و دل مولانا، آینه پژوهش*، شماره ۶۶، صص ۳۰-۳۷.
۱۱. بخاری، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل، (بی تا)، *صحیح البخاری*، محقق: أحمد زهوه و أحمد عناية، دار الكتاب العربی، بیروت، لبنان.
۱۲. ترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی بن سورة، (بی تا)، *الجامع الصحیح معروف به سنن*، دار ابن الجوزی، القاهرة، مصر.
۱۳. جرجانی، میر سید شریف علی بن محمد، (۱۴۳۳ ق)، *شرح المواقف*، الطبعة الثانية، دارالکتب العلمیة، بیروت.
۱۴. جمع نویسندگان، (۱۳۸۹ ش)، *امامت پژوهی*، چاپ سوم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۱۵. چلونگر، محمدعلی، (۱۳۸۹ ش)، *روش شناسی خاورشناسان در برخورد با اصول و مبانی فکری و اعتقادی شیعه*، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه، شماره پنجم (۵۴-۵۵).
۱۶. حلی، علامه جمال الدین الحسن بن یوسف، (۱۴۲۳ ق)، *الألفین*، مؤسسه الإسلامية، قم.
۱۷. _____، (۱۳۹۹ ق)، *كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۱۸. الدوانی، جلال الدین محمد، (۱۴۲۰ ق)، *الحجج الباهرة*، مکتب البخاری.
۱۹. رشیدرضا، محمد، (۲۰۱۲ م)، *الخلاقه*، مؤسسة هنداوی، القاهرة.

۲۰. سلطانی، سید محمد، (۱۳۹۶ ش)، بررسی تطبیقی رویکردهای خاورشناسان و سلفیه در مسأله جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پایان نامه سطح سه، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام، قم.
۲۱. شیمیل، آنه ماری، (۱۳۷۶ ش)، تبیین آیات خداوند، نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام، عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۰۸ ق)، تاریخ الأمم و الملوک، معروف به تاریخ طبری، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بیروت، لبنان.
۲۳. قائمی، سید رضا؛ وکیلی، سید هادی، (۱۳۹۳ ش)، خوانشی انتقادی بر انگاره‌های شیعه‌شناسانه مونتگمری وات، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۳-۶۴.
۲۴. قدردان قراملکی، محمدحسن، (۱۳۸۸ ش)، پاسخ به شبهات کلامی امامت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۹۱ ش)، روش‌شناسی مطالعات دینی، چاپ هفتم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۶. القفاری، ناصر، (بی تا)، اصول مذهب الشيعة الإمامية الاثنی عشریة، جامعه محمد بن سعود الإسلامية.
۲۷. متقی هندی، علاء الدین، (۱۴۰۵ ق)، کنز العمال، محقق: بکری حیانی و صفوة السقا، موسسه الرساله، چ ۵، بیروت.
۲۸. محمدی آرانی، مریم، (۱۳۸۶ ش)، امامت و ولایت از دیدگاه ملاصدرا، نشریه مشرق موعود، شماره ۳، صص ۴۳-۶۶.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱ ش)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. مظفر، محمد حسن، (۱۴۳۰ ق)، دلائل الصدیق لنهج الحق، مؤسسه آل البيت، قم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ ش)، آیات ولایت در قرآن، چاپ سوم، انتشارات نسل جوان، قم.
۳۲. منصورنژاد، محمد، (۱۳۹۰ ش)، درس‌گفتارهای شیعه‌شناسی، انتشارات جوان پویا.
۳۳. میلانی، سید علی، (۱۴۳۵ ق)، الاصول العامة لمسائل الامامة، نشر الحقایق، قم.
۳۴. _____، (۱۳۸۹ ش)، خلافت ابوبکر در ترازوی نقد، مرکز حقایق اسلامی، چاپ سوم.
۳۵. _____، (۱۴۱۴ ق)، نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، انتشارات مهر، قم.
۳۶. الهیتمی، ابن حجر، (۱۴۱۴ ق)، الصواعق المحرقة، بیروت: دارالکتب العلمیه.